

Explaining the Model of Cooperation Network of Organizational Stakeholders in Rural Development Based on Macro and Meso Indicators (Case Study: Qazvin Province)¹

Forozan Ghasemi

PhD Student in Geography and Rural Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohammadreza Rezvani²

Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Seyedali Badri

Associate Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Alireza Darban Astaneh

Associate Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 4 May 2025

Revised: 27 May 2025

Accepted: 29 June 2025

Abstract

Rural development, due to its multiple dimensions, has a multi-sectoral nature, and for this reason, several and diverse stakeholders, organizations, and institutions, including governmental, public, private, and non-governmental organizations, can have a part to play and exert an impact. Hence, one of the main conditions for efficient management and planning in rural development is cooperation and cohesion of stakeholders. Network analysis is a method well suited for identifying and assessing the

1. The article is an excerpt from the doctoral dissertation of the first author submitted to the University of Tehran.

2. Corresponding Author. Email: rrezvani@ut.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Ghasemi, F. , Rezvani, M. , Badri, S. and Darban Astaneh, A. (2025). Explaining the Model of Cooperation Network of Organizational Stakeholders in Rural Development Based on Macro and Meso Indicators (Case Study: Qazvin Province). Journal of Geography and Regional Development, 23(3), 257-292. Doi: 10.22067/jgrd.2025.93184.1556

level of cooperation and cohesion of organizational stakeholders. The present study was conducted to analyze the model of the cooperation network of organizational stakeholders in rural development in Qazvin province. This is an applied study with a descriptive and analytical design. Semi-structured interviews were used to collect data. The statistical population of the study consisted of 36 organizations and institutions involved in rural development of the province. Network analysis indicators at both macro and intermediate levels, and Ucinet and NetDraw software were used for research analysis. The results showed that despite the importance of cooperation between rural development stakeholders, it is still undesirable at the provincial level. Accordingly, the network density is 37.3%, the transferability is 27.2%, and the network size is 47% of the total links, indicating poor stability and low institutionalization of links in the cooperation network. Also, most of the established links among stakeholders suggest high concentration on external links (46.77%) compared to internal links (32.08%), which exhibits the pivotal role of central actors in network links. It is also the main factor underpinning the weak level of cooperation and convergence in the rural development network of the province. In this regard, promoting and improving convergence in the cooperation network and strengthening the position of intermediary organizations are considered key strategies to foster the cooperation network of rural development stakeholders in Qazvin province.

Keywords: Cooperation Network, Rural Development, Rural Stakeholders, Network Analysis, Qazvin Province.

تبیین الگوی شبکه همکاری دست‌اندرکاران سازمانی توسعه روستایی براساس شاخص‌های کلان و میانی (مطالعه موردی: استان قزوین)^۱

فروزان قاسمی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

fo.ghasemi@ut.ac.ir

محمدرضا رضوانی (استاد گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

rrezvani@ut.ac.ir

سیدعلی بدری (دانشیار گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

sabadri@ut.ac.ir

علیرضا دربان آستانه (دانشیار گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

astaneali@ut.ac.ir

چکیده

توسعه روستایی به دلیل ابعاد مختلف آن، ماهیت چندبخشی دارد و به همین دلیل دست‌اندرکاران و سازمان‌های و نهادهای متعدد و متنوع اعم از دولتی، عمومی، خصوصی و مردم‌نهاد در آن مشارکت داشته و تأثیرگذارند. در این راستا، یکی از شروط اساسی مدیریت و برنامه‌ریزی مؤثر و کارآمد در توسعه روستایی همکاری و انسجام دست‌اندرکاران است. تحلیل شبکه روش و ابزار مناسبی برای شناسایی و ارزیابی میزان همکاری و انسجام دست‌اندرکاران سازمانی است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل الگوی شبکه همکاری دست‌اندرکاران سازمانی توسعه روستایی در استان قزوین انجام شده است. روش تحقیق از نظر هدف، توصیفی و تحلیلی و از لحاظ جهت‌گیری، ماهیت کاربردی دارد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده و جامعه آماری پژوهش را ۳۶ سازمان و نهاد اصلی مؤثر در توسعه روستایی استان تشکیل می‌دهند. برای تجزیه و تحلیل پژوهش نیز از شاخص‌های تحلیل شبکه در دو سطح کلان و میانی و

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه تهران است.

نرم افزارهای UciNet و NetDraw استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که باوجود ضرورت توجه به همکاری بین دست‌اندرکاران توسعه روستایی، وضعیت مطلوبی در سطح استان برخوردار وجود ندارد؛ به‌طوری‌که تراکم شبکه برابر با ۳۷/۳ درصد، انتقال‌یافتگی ۲۷/۲ درصد و اندازه شبکه برابر با ۴۷ درصد کل پیوندها بوده و نشان‌دهنده پایداری ضعیف و میزان کم نهادینه شدن پیوندها در شبکه همکاری است. همچنین اغلب پیوندهای برقرارشده بین دست‌اندرکاران، نشانگر درصد بالای تمرکز در پیوندهای بیرونی (۴۶/۷۷ درصد) نسبت به پیوندهای درونی (۳۲/۰۸ درصد) است که این امر بیانگر نقش مهم کنشگران مرکزی در پیوندهای شبکه و عامل اصلی ضعف سطح همکاری و همگرایی در شبکه توسعه روستایی استان است. در این راستا، ارتقاء و بهبود همگرایی در شبکه همکاری و تقویت جایگاه سازمان‌های بینابینی، به‌عنوان راهبردهای کلیدی برای تقویت شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی استان قزوین محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی: شبکه همکاری، توسعه روستایی، دست‌اندرکاران روستایی، تحلیل شبکه، استان قزوین.

۱. مقدمه

جامعه روستایی را می‌توان نوعی شکل اجتماعی دانست که بر پایه ارتباط بین مردم و نهادهای محلی مرتبط با آن‌ها شکل گرفته (نادری، ۱۳۹۴: ۱۸۸) و به‌عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کنند؛ چراکه توسعه پایدار سرزمین درگرو پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف است (شیخی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸ به نقل از رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۲). نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری و حاشیه‌نشینی شهری موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری شده است (عطایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۱۶)؛ به‌طوری‌که مایکل تودارو ضرورت تقدم و توجه به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری را به علت اینکه راه‌حل نهایی مشکلات شهری، بهبود محیط

روستایی است، عنوان می‌کند (صیدایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). بدین‌سان، توسعه روستایی و ساماندهی به وضعیت روستاییان در چند دهه اخیر همواره دغدغه اندیشمندان و سیاست‌گذاران توسعه بوده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ خسروی‌پور و اسدی، ۱۳۹۸: ۸۴). نواحی روستایی به‌عنوان ارگان‌سیمی در فضای جغرافیایی، همواره در مسیر تغییر و تحولات بی‌شماری بوده است (افراخته و حجبی‌پور، ۱۳۹۲: ۱). یکی از مهم‌ترین مسائل روستایی، مدیریت آن است (کومار و شرما^۱، ۲۰۲۱: ۱) که به مسئله‌ای چالش‌برانگیز برای برنامه‌ریزان تبدیل شده است (مرل^۲، ۲۰۲۲: ۱) به‌گونه‌ای که توجه به ساختار مدیریت روستایی از محورهای اساسی در تحلیل مسائل روستایی است (احمدی‌میدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۸؛ برقی و قنبری، ۱۳۹۶: ۱۰۴). این واحد اجتماعی به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پایبند بودن افراد به قوانین عرفی و مدنی نمی‌تواند از تشکیلات سازمان مدیریتی بی‌نیاز باشد (ایزدی و علوی‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۰۰). آنچه در زمینه مدیریت روستایی بسیار مهم است، ابعاد مدیریتی نهادها و سازمان‌های مربوط به توسعه روستاها است (جوادی چهارراه و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۸). جهت پایداری روستاها در راستای توسعه، عملکرد نهادها و سازمان‌های مطابق با وظایف خود بسیار مهم و دارای اهمیت است؛ چراکه این نهادها و سازمان‌ها هستند که با برنامه‌ریزی و هدایت جامعه روستایی از نظر ساختاری - کارکردی می‌توانند سبب توسعه و پایدارسازی آن شوند یا اینکه با عملکرد نادرست ناشی از عدم شناخت و برنامه‌ریزی مناسب، روند توسعه را کند و یا به‌طور کلی متوقف نمایند (ابراهیمی و یعقوبی، ۱۴۰۱: ۹۱). بسته به این روابط متقابل، عملکرد نهادها و سازمان‌ها می‌توانند سازگار، منسجم یا مکمل باشند یا برعکس، می‌توانند نامتقارن باشند (گلاکسر و بتل^۳، ۲۰۱۷: ۱۲). اثربخشی سازمان‌های توسعه روستایی در ارتقای توسعه روستایی را فقط می‌توان برحسب میزانی مشخص نمود که از منافع روستاییان حمایت

1. Kumar & Sharma

2. Merrell

3. Gluckler & Bathelt

نموده‌اند (بوذرجمهری و جوانی، ۱۳۹۳: ۶)؛ بنابراین مدیریت توسعه روستایی درواقع فرایند سازمان‌دهی و هدایت محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهایی است که زیربنای توسعه روستایی هستند. لذا می‌توان بیان نمود که عملکرد موفق و کارآمد توسعه روستایی منوط به همکاری و تعامل مؤثر نهادهای دخیل در فرایند توسعه روستایی است (بصری‌پارسا، ۱۳۸۹)؛ بنابراین در راستای پایداری روستاها، عملکرد نهادها و سازمان‌های دخیل در توسعه روستایی یک منطقه در تعاملات با یکدیگر بسیار مهم است. در کشور ما به‌واسطه برنامه‌ریزی‌های بخشی انجام‌گرفته، مدیریت و سیاست‌گذاری بخش‌های مختلف روستایی به نهادهای مختلف واگذار شده است که در پاره‌ای از موارد وظایف این نهادها با هم تداخل پیدا کرده و سردرگمی روستاییان را به دنبال دارد (شمس‌الدینی و جمینی، ۱۳۹۵: ۳۶). می‌توان استدلال نمود که فقدان و یا کمبود انسجام بین سازمان‌های توسعه روستایی ایران و عدم ارتباط و هماهنگی لازم بین آن‌ها، از توانایی نهادها و سازمان‌ها در مواجهه با مشکلات پیش روی آن‌ها و تغییرات طبیعی رخ داده کاسته است که این خود یکی از مهم‌ترین دلایل عدم تحقق اهداف مدیریتی است. به سخنی دیگر برنامه‌ریزی روستایی همواره از دیدگاه برنامه‌ریزان «رویکرد بالا به پایین و بخشی» بوده است که برای شرایط منحصر به فرد روستایی پیامدهای زیانباری را در پی داشته است (بابازاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۲). روند کاهشی وضعیت اقتصادی جامعه روستایی، گسترش تنگدستی و بیکاری و مواردی از این‌گونه نشان می‌دهد که در عمل، برنامه‌ریزی و هدف‌های حیاتی توسعه پایدار در نواحی روستایی کشور را با دشواری روبه‌رو کرده است (ثانی‌حیدری و همکاران، ۱۳۹۹). از این‌رو ضعف مدیریت یکپارچه و سازماندهی ناقص، ویژگی سازمان‌ها و نهادهای جدید روستایی بوده، به‌گونه‌ای که بخش روستایی کشور از متولیان مختلف برخوردار شده است (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴). در بسیاری از مطالعات صورت گرفته در کشور، در ارزیابی عملکرد متولیان امور روستایی به بررسی نقش عملکرد مدیران نوین روستایی (دهیاران و شوراها) اکتفا شده است، درحالی‌که متولیان امور روستایی که

مستقیماً با مسائل روستاییان درگیر هستند، به مدیران نوین روستایی محدود نشده و نهادهای دیگری همچون بنیاد مسکن، جهاد کشاورزی و ... را در برمی‌گیرد. محققان در پژوهش حاضر با دیدگاهی متفاوت، مبنی بر اینکه نهادهای دیگری که مجموعه گسترده را در برمی‌گیرند، بر توسعه جوامع روستایی تأثیر دارند، سعی دارند به تبیین الگوی شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی استان قزوین بپردازند. استان قزوین نیز همانند روند کلی حاکم بر فضای سازمانی توسعه روستایی کشور با ضعف الگوی شبکه‌ای همکاری دست‌اندرکاران سازمانی توسعه روستایی مواجه است. از این رو، استان قزوین به‌عنوان نمونه مورد مطالعه کشور در جهت ارائه الگوی شبکه همکاری دست‌اندرکاران سازمانی توسعه روستایی تعیین شده است که نتایج کلی آن قابلیت تعمیم به کل کشور را دارد.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه تحلیل شبکه دست‌اندرکاران با توجه به اهمیت و کاربرد آن در زمینه‌های مختلف، پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی انجام شده است که مشخصات مهم‌ترین آن در جدول ۱ ارائه شده است. به‌ویژه نتایج مطالعات داخلی، نشان‌دهنده همکاری ضعیف تا متوسط در بین دست‌اندرکاران است که در واقع ضعف انسجام سازمانی را نشان می‌دهد. پژوهش حاضر بر شناسایی و تحلیل شبکه همکاری نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعه روستایی در یک استان متمرکز است و به دلیل تنوع و تعدد نهادهای مرتبط و تمرکز آن بر زمینه همکاری در توسعه روستایی با پژوهش‌های قبلی متفاوت است و نوآوری خاص خود را دارد.

جدول ۱. تجربیات و مطالعات داخلی و خارجی پیرامون موضوع پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش

محقق	سال	عنوان	یافته
مطالعات داخلی	۱۴۰۳	پویایی سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی در راستای مدیریت مشارکت روستایی شهرستان گچساران	با سنجش شاخص‌های کلان شبکه مشخص گردید که پس از اجرای پروژه، میزان اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی افزایش پیدا کرده و به حد مطلوبی رسیده است
	۱۴۰۳	تحلیل شبکه کنشگران کلیدی تغییر کاربری زمین بخش مرکزی شهریار	شهرداری، فرمانداری و بخش‌داری مؤثرترین کنشگر در زمینه تغییر اراضی در مناطق روستایی این شهرستان هستند و اداره جهاد کشاورزی و شورای اسلامی روستاها مورد اعتمادترین کنشگران بوده‌اند.
	۱۳۹۹	تحلیل شبکه روابط بین سازمانی در مدیریت طرح هادی روستای اسلام رود طرقيه - شانديز	میزان تراکم در پیوند تبادل اطلاعات در شبکه ۳۴/۵ درصد است که با بررسی سایر شاخص‌های کلان شبکه، میزان تحقق‌پذیری طرح متوسط و تا حدودی کم است.
	۱۳۹۸	تحلیلی بر یکپارچگی فضایی نواحی روستایی مبتنی بر تحلیل شبکه	الگوی جریان‌ها، الگویی روزانه، منظم و یک‌سویه است. این الگو در بسیاری از جهات مطابق با نظریه قطب رشد است و از الگوی شبکه‌ای فاصله دارد.
	۱۳۹۶	تحلیل شبکه سازمانی مؤثر بر خزش روستایی در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون همدان	نیمی از دست‌اندرکاران نهادی بیش از ۵ نوع تضاد با دیگر نهادها دارند. یک‌سوم از پیوندهای شبکه در اختیار دست‌اندرکاران مرکزی و نهادهای کلیدی قرار دارد و بقیه نهادها نقش حاشیه‌ای و تسهیل‌کننده دارند.
	۱۳۹۵	شناسایی دست‌اندرکاران کلیدی در مدیریت پایدار سرزمین	میزان انسجام سازمانی و شاخص دوسویگی پیوندهای طی دو مرحله پایش از شرایط متوسط به شرایط زیاد ارتقا و از میزان تمرکز در تصمیم‌گیری کاسته شده است.
	۱۳۹۵	ارزیابی عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط با پایداری روستاها (بخش دهدز شهرستان ایذه)	عملکرد نهادها و سازمان‌ها از نظر اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی - فیزیکی در پایداری روستاها با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۵ مناسب و در سطح متوسطی است.

محقق	سال	عنوان	یافته
ناتانگ و لی ^۱	۲۰۲۴	نگاهی تطبیقی به تحلیل شبکه‌های اجتماعی در جوامع روستایی چین و فراتر از آن	این مطالعه به تشریح کاربردهای فعلی و جهت‌گیری‌های بالقوه تحلیل شبکه در مطالعات جوامع روستایی، چه در چین و چه در سطح بین‌المللی، حکایت دارد.
	۲۰۲۳	نقش دولت‌های محلی در توسعه روستایی نیجریه، مطالعه موردی: منطقه دولت محلی اکوسیگو در ایالت آنامبرا	دولت محلی در ایالت آنامبرا، سهم قابل توجهی در توسعه کشاورزی، توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد اشتغال داشته است. این مطالعه توصیه می‌کند دولت باید تلاش‌های هماهنگ‌تری برای توسعه مناطق روستایی در زمینه‌های افزایش تخصیص بودجه، اجرای مؤثر سیاست‌ها و تکمیل آنها داشته باشد.
	۲۰۲۲	ارزیابی نقش ذینفعان در پروژه‌های اجتماعی بر امنیت زیست‌محیطی و معیشت جامعه روستایی فقیر اتیوپی	نتایج این پژوهش نشان داد که مشاوره، همکاری و مشارکت مهم‌ترین مؤلفه‌های کلیدی بر سازمان‌دهی و شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی و ذینفعان به شمار می‌آید.
	۲۰۲۲	شبکه‌سازی مشارکتی بین تعاونی‌های تولید کشاورزی استان البرز	نتایج نشان داد که سازوکارهای سیاست‌گذاری با ضریب ۰/۵۳۹ اقتصادی با ضریب ۰/۴۹۹، قانونی با ضریب ۰/۲۰۸ و آموزشی با ضریب ۰/۱۳۰ بیشترین تأثیر را داشته‌اند، درحالی‌که سازوکارهای فنی و اجتماعی نقشی در توسعه شبکه‌سازی مشارکتی نداشته‌اند.
	۲۰۲۰	بررسی نقش کنشگران مختلف در تجاری‌سازی اراضی مناطق روستایی	فرمانداری و شرکت‌های سهامی زراعی بیشترین نقش را دارند و روستاییان صاحب زمین در حاشیه شبکه قرار گرفته‌اند

1. Zhang & Li
2. Ezeamama & Anthony Ofozoba
3. Hailemariam Zikargae
4. Zhou

محقق	سال	عنوان	یافته
وانگ ^۱ و همکاران	۲۰۱۷	تحلیل شبکه اجتماعی کنشگران در توسعه روستایی: مطالعه موردی روستای یانه، استان هوبئی، چین	سازمان‌های مردم‌نهاد رهبران بهبود محیط‌زیست روستایی، تعاونی‌های روستایی، مروجان توسعه اقتصادی روستایی و بنگاه‌های اقتصادی، شتاب‌دهنده ساخت‌وساز روستایی هستند. به صورت خلاصه پیچیدگی شبکه کنشگران توسعه روستایی در این منطقه وجود دارد.

در مجموع با ارزیابی ادبیات تحقیق می‌توان بیان نمود که اغلب پژوهش‌های صورت گرفته بر حوزه مدیریت نوین توسعه روستایی در کشور (شوراها و دهیاری‌ها)، نقش دولت و ذی‌نفعان (مردم) تأکید داشته‌اند و تاکنون نگاهی جامع که تمامی سازمان‌ها و ارگان‌های درگیر را مطالعه و عملکرد آنها در قبال یکدیگر را به شکل کیفی ارزیابی نماید، انجام نشده است.

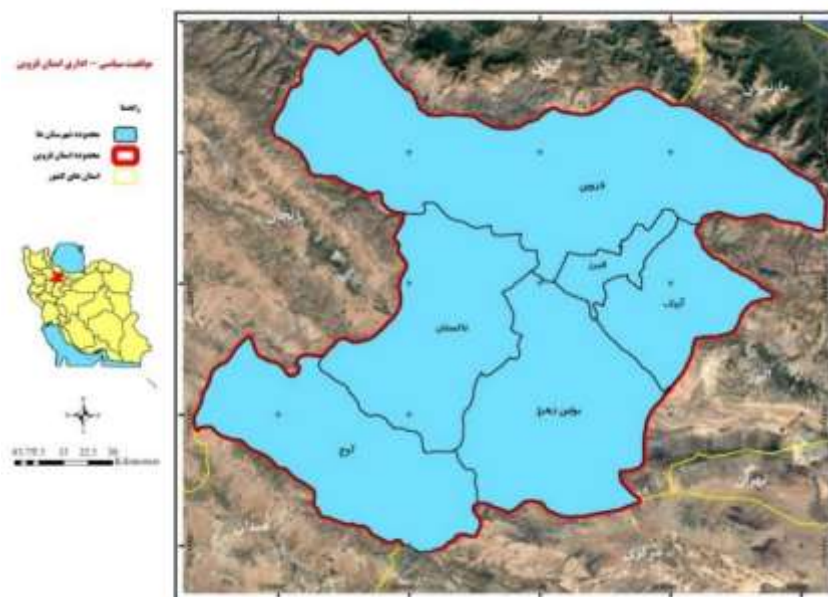
۳. روش‌شناسی تحقیق

استان قزوین با مساحتی معادل ۱۵۶۲۶ کیلومتر مربع در حوزه مرکزی ایران بین ۴۸ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۵ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۹ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا قرار دارد. این استان از سمت شمال به استان‌های مازندران و گیلان، از سمت غرب به استان‌های زنجان و همدان، از سمت جنوب به استان مرکزی و از سمت شرق به استان البرز محدود می‌شود (تقی‌پور و استعلاجی، ۱۴۰۲: ۳۷۴). با توجه به موضوع پژوهش، نهادها و سازمان‌هایی که به نوعی مرتبط با توسعه روستایی استان قزوین هستند، به عنوان دست‌اندرکاران توسعه روستایی و نمونه‌های مطالعاتی پژوهش محسوب می‌شوند که در جدول (۳) به تفکیک حوزه فعالیت ذکر شده‌اند.

جدول ۲. نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعه روستایی استان قزوین

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۴۰۰

حوزه فعالیت	نهاد و سازمان
مالی - اعتباری	بانک کشاورزی، صندوق بیمه کشاورزی، صندوق سرمایه‌گذاری کشاورزی، کارآفرینی امید
اجتماعی و خدماتی	آموزش و پرورش، بنیاد برکت، بنیاد علوی، دانشگاه بین‌المللی، سازمان بسیج، سانکا (سازمان نظام‌مهندسی)، شرکت‌های دانش‌بنیان و سمن‌ها، صنایع دستی، کمیته امداد، میراث فرهنگی، بنیاد مستضعفان، گردشگری
امور توسعه کالبدی و زیربنایی	بنیاد مسکن، اداره آب منطقه‌ای، اداره آبفا، اداره برق، راهداری، شرکت نفت و گاز، مخابرات و فن‌آوری (ای سی تی روستایی)
سازمان‌های تولیدی	اداره امور اراضی، اداره امور عشایر، اداره امور غله، اداره شیلات، اداره کل پشتیبانی و امور دام، اداره کل دامپزشکی، تعاون روستایی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی، شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی
امور محیطی	محیط زیست، منابع طبیعی
فعالیت‌های امور سیاسی - قضایی	استانداری (دفتر امور روستایی)، استانداری (مدیریت بحران)



شکل ۱. محدوده مورد مطالعه پژوهش

مأخذ: (نگارندگان، ۱۴۰۳)

پژوهش حاضر از نظر روش انجام تحقیق، توصیفی و تحلیلی است که به دلیل کاربردپذیر بودن یافته‌ها در تدوین راهبردهای توسعه روستایی و به‌کارگیری روش تحلیل شبکه در برنامه‌ریزی روستایی و منطقه‌ای، جهت‌گیری کاربردی دارد. جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه نهادها و سازمان‌های دست‌اندرکار توسعه روستایی در استان قزوین هستند. انتخاب نمونه‌ها به صورت تمام شماری بوده و مصاحبه‌ها با تمامی مدیران و کارشناسان سازمان‌های دخیل در توسعه روستایی استان بوده است. تعداد سازمان‌های شرکت‌کننده در مصاحبه اکتشافی و نیمه‌ساختاریافته، شامل ۳۶ سازمان و نهاد مرتبط با توسعه روستایی بوده است. در راستای تحلیل وضعیت همکاری دست‌اندرکاران از شاخص‌های تحلیل شبکه در دو سطح کلان و میانه بهره گرفته شد. در این روش از ماتریس وضعیت

روابط بین سازمان‌ها برای ثبت و ورود داده‌ها و اطلاعات و از گراف‌ها برای نمایش اطلاعات و داده‌های مربوط به الگوهای ارتباطی استفاده شده است. در مدل‌سازی شبکه معمولاً داده‌ها به صورت صفر و یک وارد شوند. عدد صفر به معنی نبود پیوند تبادل ارتباطات و همکاری و یک به معنی وجود پیوند تبادل اطلاعات و همکاری است. در سطح کلان تحلیل شبکه همکاری از شاخص‌های میزان تمرکز، اندازه شبکه، دوسویگی پیوندها، انتقال‌یافتگی پیوندها و میانگین فاصله ژئودزیک، در سطح میانه تحلیل شبکه از شاخص‌های بلوک‌ها و نقاط تقاطع، مرکز - پیرامون، خوشه‌بندی و پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی استفاده شده است. قابل ذکر است که برای تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزارهای Ucinet (محاسبه شاخص‌های شبکه) و NetDraw (برای ترسیم گراف‌ها) استفاده شده است.

۴. مبانی نظری تحقیق

نواحی روستایی به عنوان یک ارگانیزم در فضای جغرافیایی، همواره در مسیر تغییر و تحولات بی‌شماری بوده است (افراخته و حجتی‌پور، ۱۳۹۲: ۱). از این رو برخی از برنامه‌ریزی‌ها در راستای سکونتگاه‌های روستایی به پیش‌بینی و شناخت اولیه بستگی دارد که این شناخت و پیش‌بینی نیاز به مدیریت صحیح در قالب نهادها و سازمان‌های مختلف دارد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۲). در این مرحله است که جایگاه شبکه همکاری نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعه روستاها مشخص می‌گردد. تحلیل میزان روابط، همکاری و هماهنگی بین سازمانی توسعه روستایی، یکی از مهم‌ترین نیازهای نظام مدیریت روستایی به شمار می‌آید (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۰). تحلیل شبکه روابط میان سازمان‌های توسعه روستایی و شناسایی کنشگران کلیدی و روابط میان آنها از مهم‌ترین فاکتورهای پیشرفت پروژه‌های روستایی است. در دو دهه اخیر، توسعه شبکه همکاری به عنوان راهبردی برای خلق و مدیریت دانش و ابزاری برای ارتقاء توانمندی‌های علم و فناوری

کشورها، از طرف سیاست‌گذاران، مدیران و محققان مورد توجه قرار گرفته است (سلطانی‌نژاد و امیرزاده، ۱۴۰۰: ۴۰). تحلیل شبکه رهیافتی برای مطالعه ساختارهای اجتماعی است که خاستگاه اصلی آن حوزه‌های علوم اجتماعی، علوم سیاسی، مردم‌شناسی و تئوری گراف‌ها است و قدمت آن به ۵۰ سال پیش می‌رسد، اما فعالیت‌های آن از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شده است (محمدی‌کنگرانی، ۱۹۱: ۸۲). این روش طرفداران بسیاری را در انسان‌شناسی، زیست‌شناسی، مطالعات اقتصادی، جغرافیا و ... به دست آورده است (نصیری‌زارع و ریاحی، ۱۴۰۲: ۲۱). شبکه‌های اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از گره‌ها (افراد یا سازمان‌ها) و یال‌های (ارتباطات) مرتبط با هر یک از این گره‌ها معرفی کرد (برودکا و همکاران^۱، ۲۰۱۱: ۲۳۷). بنیان تبیین تحلیل شبکه اجتماعی^۲ بر الگوی روابط بین کنشگران استوار است و بزرگ‌ترین قدرت آن در توانایی تحلیل رفتار کنشگران منفرد و رفتار کل شبکه قرار دارد (عباسی‌رستمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۸). رویکرد تحلیل شبکه اجتماعی (SNA) با مطالعه چگونگی الگوی روابط متقابل بین کنشگران مختلف و ذی‌نفعان مختلف قادر است کیفیت مدیریت و حکمرانی را تحت تأثیر قرار دهد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۵). یکی از انواع مهم شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های همکاری است. شبکه همکاری یا شبکه بین سازمانی توسط گروهی از سازمان‌هایی در زمینه تبادل و اشتراک‌گذاری منابع و ظرفیت‌های خود برای دستیابی به یک هدف خاص استراتژیک مشترک گاهی تشکیل می‌شوند (سلطانی‌نژاد و امیرزاده، ۱۴۰۰: ۴۰). این دسته از شبکه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد برای مدیریت بهینه منابع، انتقال دانش بین عوامل، به اشتراک‌گذاری دارایی‌ها و کاهش ریسک‌های توسعه در عرصه اقتصاد، کسب‌وکار و دانش شناخته شده‌اند (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴). شبکه روابط بین سازمانی، از همکاری میان چند سازمان و مبتنی بر مجموعه‌ی اهداف و انگیزه‌های همسو و مکمل شکل می‌گیرد (عبدی‌دانش‌پور و همکاران،

1. Brodka et al

2. Social Network Analysis

۱۳۹۵: ۲۶). این رویکرد از طریق تحلیل ویژگی‌های کنشگران در شبکه همکاری و الگوی روابط آن‌ها با دیگر کنشگران بیان می‌کند که چرا برخی از بازیگران در راستای دسترسی و انباشت سرمایه بهتر از دیگران عمل می‌کنند (ارنستون^۱، ۲۰۰۸: ۳) با اشغال کردن موقعیت‌های مرکزی در یک شبکه همکاری، بازیگران مرکزی قادرند بر روی دیگر افراد و نهادها در شبکه تأثیر گذاشته و با دریافت حمایت‌های بیشتر، موقعیت خود را در شبکه تقویت نمایند (قربانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱۳؛ لینرت^۲ و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۳۶؛ کرکمو^۳ و همکاران، ۲۰۱۴: ۶) تحلیل بازیگران و کنشگران یکی از بهترین روش‌ها برای دگرگونی ساختار سازمانی مدیریت توسعه روستایی متناسب با اهمیت هر کنشگر است (فیروزنیا و قرنی‌آرانی، ۱۳۹۴: ۹۱۵-۸۹۵). به سخنی دیگر، تجزیه و تحلیل شبکه همکاری، تکنیکی برای شناسایی و ارزیابی بازیگران کلیدی و یا سازمان‌هایی است که ممکن است به‌طور قابل توجهی در موفقیت فعالیت‌ها و پروژه‌ها تأثیرگذار باشند (ابطحی‌فروشانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۳). برخی از محققان شبکه‌های همکاری بین سازمانی را دارای سه بعد اصلی می‌دانند؛ بعد رابطه‌ای، ساختاری، نتایج یا عملکرد. بعد رابطه‌ای تأثیر پیوند عامل‌های اجتماعی (افراد یا سازمان‌ها) را روی همکاری‌های آن‌ها بررسی می‌کند، درحالی‌که بعد ساختاری، ساختار و شکل این روابط را مورد بررسی قرار می‌دهد (تیموری و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۴-۶۳). در حقیقت بعد ساختاری با الگوی کلی ارتباطات بین کنشگران اشاره دارد، مهم‌ترین جنبه‌های این بعد، وجود یا نبود پیوندهای شبکه‌ای بین بازیگران، وضعیت کلی شبکه و سازمان‌های کلیدی است (بابایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰). تحلیل شبکه بر مبنای دو نظریه گراف‌ها و نظریه شبکه‌ای بنا نهاده شده است؛ نظریه گراف‌ها چکیده‌ای از جنبه‌های ساختاری مدل بوده و شبکه را در قالب ریاضیات شبیه‌سازی می‌نماید (برندس و ارلباک^۴، ۲۰۰۵: ۲۲) نظریه شبکه

1. Ernstone

2. Lienert

3. Carcamo

4. Brandes & Erlebach

به بررسی روابط دلالت دارد. مهم‌ترین ویژگی این نظریه این است که تفسیر و تحلیل جزئی برحسب ویژگی‌های موضوعات مستقل را به تفسیر و تحلیل پدیده‌ها برحسب روابط میان کنشگران مستقل یک سیستم تبدیل نموده (برگاتی^۱، ۲۰۲۵: ۵۷) و کانون توجه از افراد و ویژگی‌هایشان را به جفت افراد و ارتباطات میانشان تغییر داده است (محمدی‌کنگرانی، ۱۳۸۹: ۲۵). در ارتباط با مطالعات همکاری در سطوح مختلف (بین سازمان‌ها/ادارات، شرکت‌ها و ...)، شش رویکرد/نظریه معرفی شده است که در جدول ۳ ارائه شده است (بریتلی^۲، ۲۰۱۱: ۲۴).

جدول ۳. رویکردها/نظریه‌های شبکه همکاری بین سازمانی

مأخذ: صداقت زادگان، ۱۳۹۵: ۱۱۶-۱۱۴؛ زارعی و زارعی، ۱۳۸۶: ۵۹

ردیف	نظریه/ رویکرد	توضیح
۱	نظریه بازی ^۳ :	مهم‌ترین نظریه‌ای که به‌طور ویژه اصول روحیه همکاری را در خود دارد. هدف اصلی آن یافتن راهبرد بهینه برای بازیکنان است؛ یعنی منفعت گروهی به همکاری منجر می‌شود.
۲	نظریه انتخاب عقلایی ^۴ :	انتخاب و تصمیم عاقلانه برای کسب حداکثر سود و مزایاست. رفتار عقلانی، اعتماد، همکاری، ترک همکاری و منفعت شخصی از مؤلفه‌های اساسی این نظریه است.
۳	تحلیل نهادی ^۵ :	بازهای مشارکتی در یک بستر سازمانی با ضوابط، قوانین و هنجارهای مختلف اتفاق می‌افتد.
۴	وابستگی به منابع ^۶ :	یکی از عمده‌ترین دلایل شکل‌گیری ارتباطات بین سازمانی، ایجاد مزیت رقابتی از منابع مکمل است. سازمان‌ها به‌واسطه مشارکت با یکدیگر به منابعی دسترسی پیدا می‌کنند که تکمیل‌کننده ظرفیت و توانمندی اولیه آن‌هاست (زارعی و زارعی، ۱۳۸۶: ۵۱). سازمان‌ها منابع مختلفی در اختیار دارند که مبنای قدرت‌اند و به دلیل شرایط متفاوتشان به یکدیگر وابسته‌اند

1. Borgatti

2. Beritelli

3. Game theory

4. Rational Choice Theory

5. Institutional Analysis

6. Resource Dependence Theory

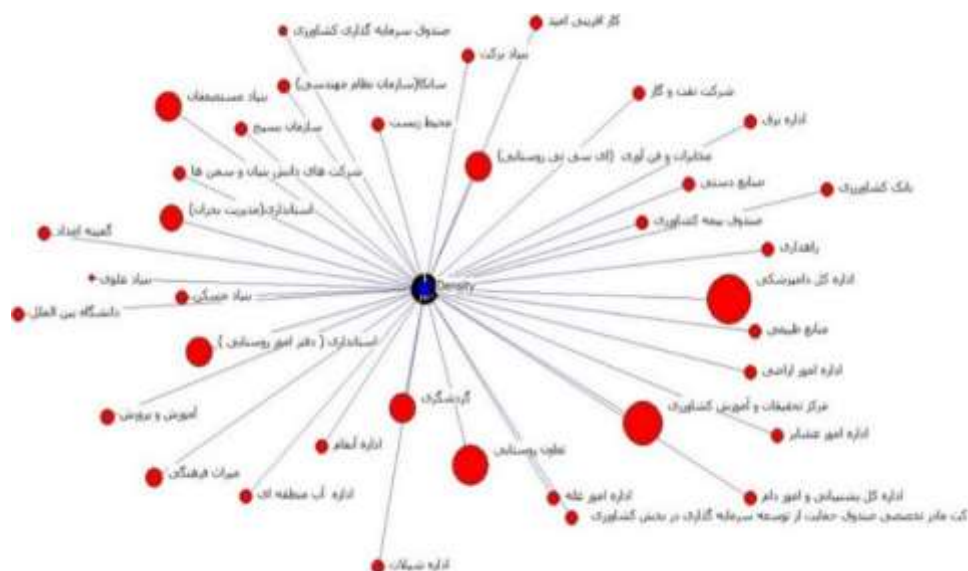
ردیف	نظریه / رویکرد	توضیح
۵	اقتصاد هزینه معامله ^۱ :	چگونگی سازماندهی فعالیت‌های بین سازمان‌ها به گونه‌ای که مجموع هزینه‌های تولید و مبادله به حداقل برسد.
۶	تئوری مبادله اجتماعی ^۲ :	بر ویژگی‌های اجتماعی بازی‌های مشارکتی مانند اقدام متقابل پیش‌بینی‌شده، سود مورد انتظار در شهرت و نفوذ، نوع دوستی و درک سودمندی و درجه تأثیر و همین‌طور پاداش مستقیم تأکید می‌کند.

۵. یافته‌های تحقیق

در راستای تحلیل وضعیت کلان شبکه همکاری توسعه روستایی استان، شاخص‌های تراکم شبکه، اندازه، دوسویگی پیوندها، انتقال‌یافتگی پیوندها، تمرکز و فاصله ژئودزیک براساس نظرات مدیران و کارشناسان سازمان‌ها موردسنجش و ارزیابی قرار گرفته است. شایان‌ذکر است که نحوه سنجش شاخص‌های کلان و میانی شبکه براساس میزان روابط بین دست‌اندرکاران سازمانی توسعه روستایی استان بوده است.

شاخص تراکم^۳ شبکه: هرچه تراکم شبکه بیشتر باشد، گره‌ها در شبکه دارای پیوندهای زیاد و شبکه از انسجام بیشتری برخوردار است. نتایج میزان تراکم شبکه همکاری در سطح کل سازمان‌های توسعه روستایی استان قزوین برابر با ۳۷/۳ درصد است که به‌طورکلی نشان‌دهنده میزان تراکم پیوند کم در شبکه همکاری سازمان‌های توسعه روستایی استان است.

-
1. Transaction cost Economics
 2. Social Exchange Theory
 3. Density



شکل ۲. شاخص تراکم شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی استان

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

شاخص اندازه^۱ شبکه: تعداد بیشتر پیوندهای همکاری در شبکه سبب افزایش فعالیت‌های مشارکتی شده و از بروز عدم هماهنگی و فعالیت ضعیف کاسته و سبب توسعه روستایی منظم و هماهنگ می‌گردد. قابل ذکر است که نحوه سنجش شاخص اندازه شبکه براساس میزان روابط بین دست‌اندرکاران سازمانی توسعه روستایی استان بوده است. براساس نتایج محاسبه گردیده از کل پیوندهای ممکن (۱۲۶۰ پیوند) در سطح کل شبکه همکاری ۵۹۶ پیوند برقرار شده است که نزدیک به ۴۷ درصد پیوندهای مورد انتظار است و نشان از نیاز به عزم جدی به منظور ارتقاء این سطح به حد مطلوب است.

1. Size

شاخص دوسویگی پیوندها^۱: هر چه شاخص میزان دو سوگی پیوندها بیشتر باشد میزان همکاری متقابل بیشتر است و شبکه از پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود. در مورد شبکه همکاری سازمان‌های توسعه روستایی استان قزوین این شاخص ۵۸ درصد بوده که نشان‌دهنده میزان متوسط پایداری شبکه است.

شاخص انتقال یافتگی پیوندها^۲: هرچه روابط سه‌گانه در بین سازمان‌ها و کنشگران بیشتر باشد، شبکه متعادل‌تر و متوازن‌تر است و شکنندگی آن کمتر خواهد بود. نتایج نشان می‌دهد میزان انتقال‌پذیری شبکه همکاری برابر با ۲۷/۲ درصد است که نشان‌دهنده میزان پایداری کم در شبکه و همچنین میزان کم نهادینه شدن پیوندها در شبکه مورد بررسی است.

میانگین فاصله ژئودزیک^۳ (کوتاه‌ترین فاصله میان دو کنشگر): هرچه میانگین شاخص ژئودزیک کمتر باشد، سرعت گردش و تبادل اطلاعات و در نتیجه اتحاد و یگانگی در بین کنشگران افزایش می‌یابد. نتایج محاسبه شده این شاخص برای سازمان‌های توسعه روستایی استان قزوین برابر با ۱/۶۷ است. در واقع سرعت همکاری در بین سازمان‌ها در حد متوسط و هماهنگی و دسترسی سازمان‌ها به یکدیگر با صرف زمان امکان‌پذیر است.

جدول ۴. اندازه شاخص‌ها در سطح کلان در شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی استان قزوین

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

تعداد	کل پیوندهای مورد انتظار	تراکم (%)	دوسویگی پیوندها (%)	اندازه شبکه	انتقال یافتگی پیوندها (%)	میانگین فاصله ژئودزیک
۳۶	۱۲۶۰	۳۷/۳	۵۸	۵۹۶	۲۷/۲	۱/۶۷

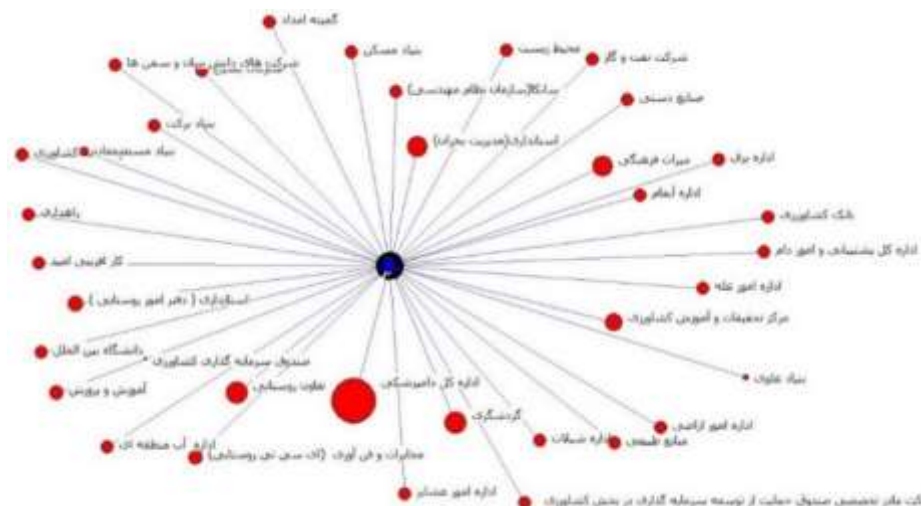
1. Reciprocity
2. Transitivity
3. Average geodesic distance

شاخص تمرکز^۱ (مرکزیت کل): نتایج به دست آمده از این شاخص که در جدول (۵) نشان داده شده است، مؤید درصد بالای تمرکز در پیوندهای بیرونی نسبت به پیوندهای درونی است. این نتیجه چند نکته را روشن می‌سازد: نکته اول که در مقایسه کلی درجه تمرکز بیرونی و درونی می‌توان اشاره کرد این است که دریافت همکاری (تمرکز شبکه در پیوندهای درونی) در مقایسه با پخش همکاری (تمرکز شبکه در پیوندهای بیرونی) توسط کنشگران (سازمان‌ها) از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است. همچنین از همین مقایسه پیوندهای بیرونی و درونی می‌توان فهمید که در شبکه همکاری با توجه به میزان بالای تمرکز در پیوندهای بیرونی نسبت به پیوندهای درونی، کنشگران مرکزی از نقش مهم‌تری در سطح شبکه برخوردارند. از طرفی درجه بالای تمرکز در شبکه باعث شده است تا همکاری سازمان‌های توسعه روستایی کاهش یابد، زیرا در سطح کل شبکه درصد پیوند بالایی بر تنها یک یا چند کنشگر تمرکز یافته است. در صورتی که شبکه همکاری مطلوب نیازمند این است که پراکندگی پیوندهای همکاری در کل شبکه گسترده شود تا تنها محدود به چند کنشگر نشود.

جدول ۵. اندازه شاخص تمرکز شبکه همکاری در پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

درصد	نوع تمرکز
۳۲/۰۸	مرکزیت شبکه کل براساس پیوندهای درونی
۴۶/۷۷	مرکزیت شبکه کل براساس پیوندهای بیرونی



شکل ۳. شاخص تمرکز شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی استان

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

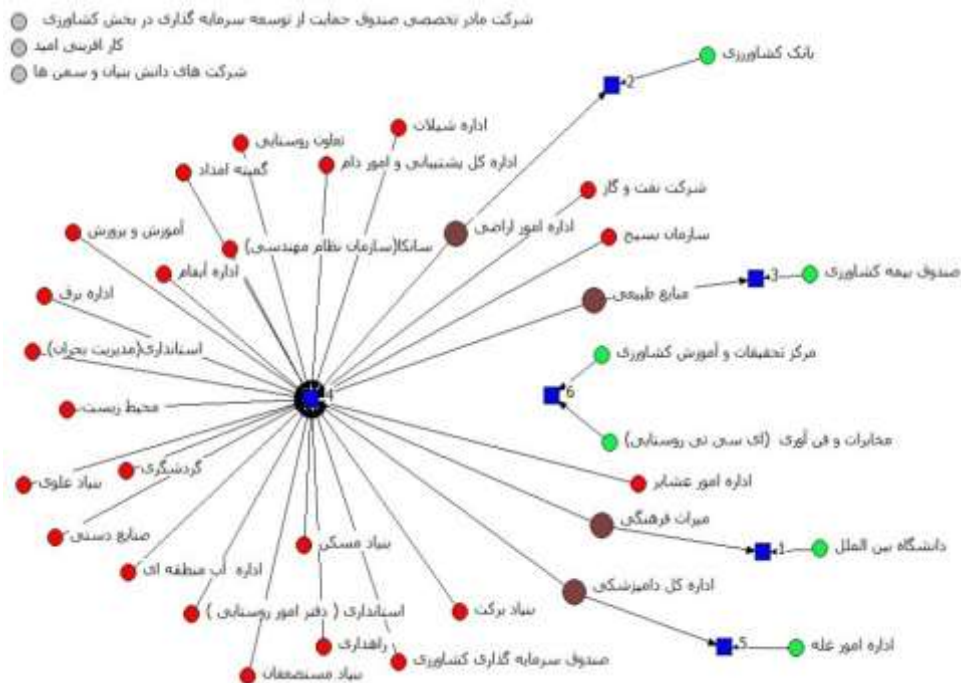
در راستای تحلیل وضعیت سطح میانی شبکه همکاری توسعه روستایی استان، شاخص‌های بلوک‌ها و نقاط تقاطع، مرکز-پیرامون، خوشه‌ها و پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی موردسنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

بلوک‌ها و نقاط تقاطع^۱: نقاط قطع در شبکه گره‌هایی هستند که اگر از شبکه حذف شوند، شبکه به قسمت‌های مجزا تقسیم خواهد شد. به بیانی دیگر در شبکه روابط، اگر چنین کنشگری از شبکه حذف شود، شبکه باقی‌مانده دو زیرمجموعه خواهد داشت که بین آن‌ها نمی‌تواند رابطه‌ای وجود داشته باشد. از سویی دیگر هرچه تعداد نقاط قطع در شبکه بیشتر باشد، سطح اتصال شبکه بیشتر است؛ چراکه باید گره‌های زیادی از شبکه حذف شوند تا شبکه اتصالات خود را از دست بدهد. نتایج شاخص قطعات و نقاط برشی شبکه همکاری استان براساس زمینه همکاری تحقیق، آموزش

1. Blocks and Cut point

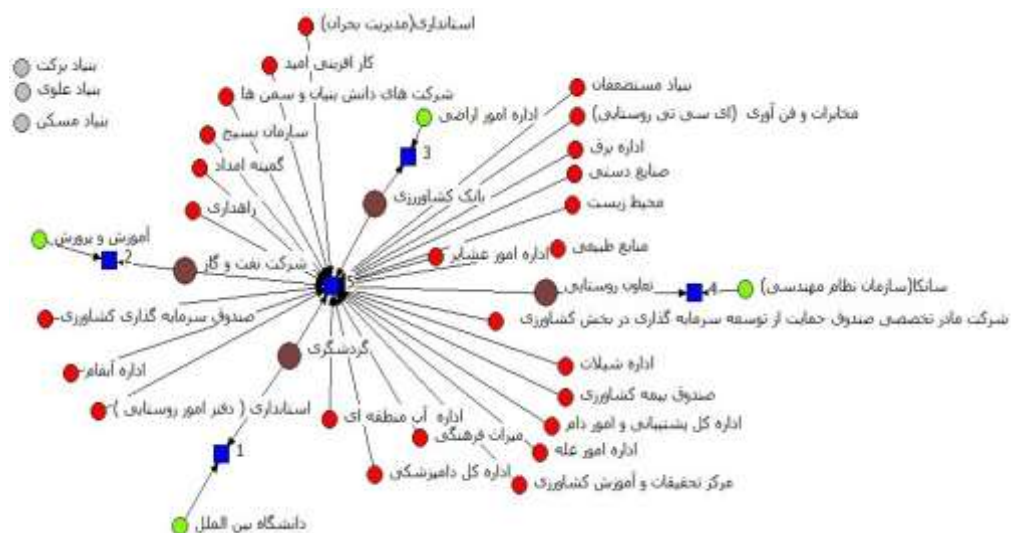
شکل ۴. شاخص قطعات و نقاط تقاطع شبکه همکاری استان براساس مؤلفه تحقیق، آموزش و پژوهش
 مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

نتایج شاخص قطعات و نقاط برشی شبکه همکاری استان براساس زمینه همکاری برنامه‌ریزی و نظارت حاکی از آن است که چهار اداره امور دامپزشکی، اداره امور اراضی، منابع طبیعی و میراث فرهنگی به‌عنوان کنشگران حیاتی و نقاط برشی شبکه همکاری استان شناخته می‌شوند.



شکل ۵. شاخص قطعات و نقاط تقاطع شبکه همکاری استان براساس مؤلفه برنامه‌ریزی و نظارت
 مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

براساس مؤلفه تأمین و توزیع زیرساخت‌ها و خدمات، چهار نهاد بانک کشاورزی، تعاونی روستایی، شرکت نفت و گاز و دفتر امور روستایی استانداری به‌عنوان کنشگران حیاتی شبکه همکاری استان شمرده می‌شوند.

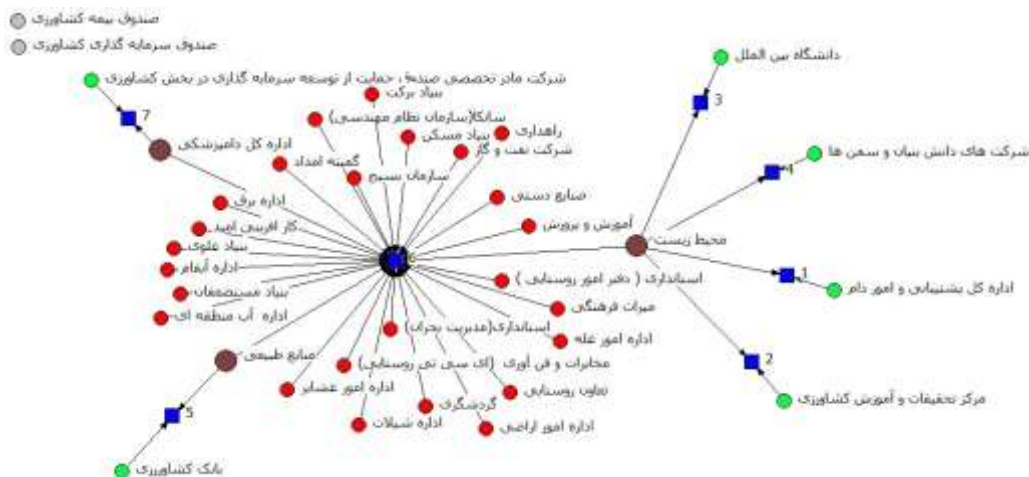


شکل ۶. شاخص قطعات و نقاط تقاطع شبکه همکاری استان براساس مؤلفه تأمین و توزیع زیرساخت‌ها و

خدمات

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

براساس مؤلفه صدور مجوز، سه سازمان محیط زیست، اداره کل دامپزشکی و منابع طبیعی به عنوان کنشگران حیاتی و نقاط برشی شبکه همکاری استان براساس مؤلفه صدور مجوز شناخته می‌شوند. سه دست‌اندرکار مذکور با ایجاد انسجام ساختاری دارای نقش حیاتی در سطح شبکه همکاری استان است که در غیاب و حذف آن‌ها قطع ارتباط در شبکه را موجب می‌شوند.



شکل ۷. شاخص قطعات و نقاط تقاطع شبکه همکاری استان براساس مؤلفه صدور مجوز

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

شاخص مرکز - پیرامون^۱: به وسیله این شاخص همه اعضا به دودسته مرکز و پیرامون تقسیم می‌شوند. دسته مرکزی باهم ارتباط زیادی دارند و تراکم شبکه آنها زیاد است؛ اما در دسته پیرامونی‌ها، روابط کم و تراکم شبکه هم کم است. کنشگران کلیدی و مؤثر در شبکه در زیرگروه‌های مرکزی قرار می‌گیرند که از نقش و اثرگذاری بیشتری نسبت به گروه حاشیه‌ای برخوردار هستند. نتایج نشان می‌دهد که اداره کل دامپزشکی، اداره شیلات، منابع طبیعی، اداره امور اراضی، میراث فرهنگی، اداره آبفام، گردشگری، اداره برق، اداره آب منطقه‌ای، محیط زیست، استانداری، راهداری، بنیاد مسکن، سانکا و سازمان بسیج جزو کنشگران مرکزی مشخص شده‌اند. همچنین می‌توان گفت که کنشگران مرکزی به اندازه ۰/۳۴ در مسائل کنشگران پیرامونی مشارکت دارند و کنشگران پیرامونی تا حدود ۰/۲۷ در مسائل کنشگران مرکزی مشارکت می‌کنند.

1. Core/Periphery

جدول ۶. ضریب چگالی کنشگران مرکزی و پیرامونی شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی

استان، ۱۴۰۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

کنشگران مرکزی	کنشگران پیرامونی	
۰,۸۱۹	۰,۳۴۳	کنشگران مرکزی
۰,۲۷۳	۰,۲۵	کنشگران پیرامونی

جدول ۷. کنشگران مرکزی و پیرامونی شبکه همکاری توسعه روستایی استان، ۱۴۰۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

کنشگران مرکزی	کنشگران پیرامونی
اداره کل دامپزشکی، اداره شیلات، منابع طبیعی، اداره امور اراضی، میراث فرهنگی، اداره آبفام، گردشگری، اداره برق، اداره آب منطقه‌ای، محیط‌زیست، استانداری، راهداری، بنیاد مسکن، سانکا و سازمان بسیج	اداره امور عشایر، اداره کل پشتیبانی و امور دام، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی، تعاون روستایی، بانک کشاورزی، شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، اداره امور غله، صنایع دستی، مخابرات و فن‌آوری، استانداری (دفتر امور روستایی)، دانشگاه بین‌الملل، آموزش و پرورش، شرکت نفت و گاز، صندوق بیمه کشاورزی، بنیاد مستضعفان، بنیاد برکت، بنیاد علوی، صندوق سرمایه‌گذاری کشاورزی، کمیته امداد، کارآفرینی امید و شرکت‌های دانش‌بنیان و سمن‌ها

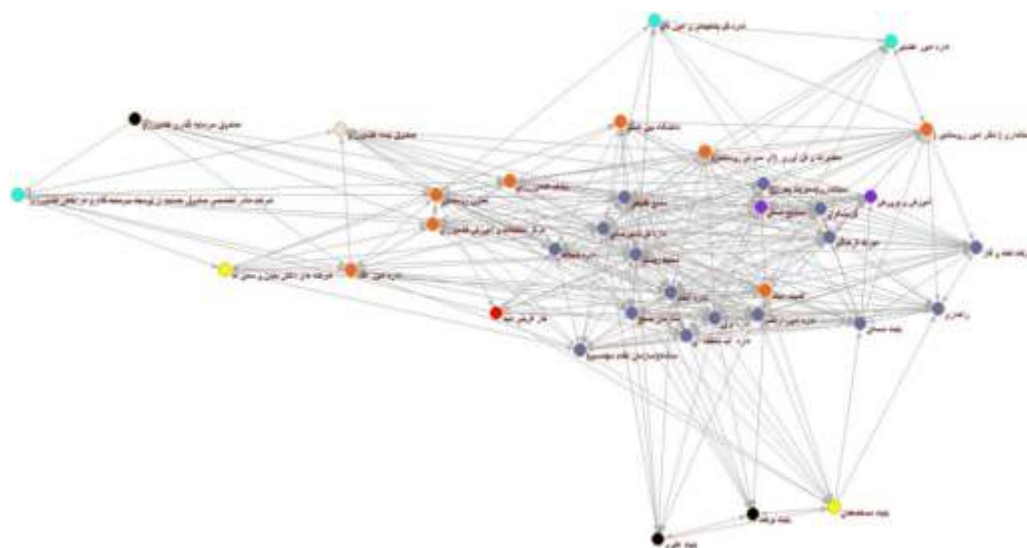
شاخص خوشه‌ها: وضعیت خوشه‌های شبکه تراکم همکاری استان براساس ارزش هسته‌ای نشان می‌دهد که سازمان‌های اداره کل دامپزشکی، اداره شیلات، منابع طبیعی، اداره امور اراضی، محیط‌زیست، اداره آبفام، اداره برق، اداره آب منطقه‌ای، استانداری (مدیریت بحران)، صنایع دستی، گردشگری، بنیاد مسکن، راهداری، شرکت نفت و گاز، میراث فرهنگی، آموزش و پرورش، سازمان بسیج و سانکا با اکتساب بیشترین میزان ارزش هسته‌ای، خوشه مرکزی و قوی را تشکیل داده‌اند. می‌توان گفت که خوشه یک دارای بیشترین میزان پیوند همکاری و ارزش هسته‌ای است و خوشه

هفت که شامل بنیاد برکت، بنیاد علوی و صندوق سرمایه‌گذاری کشاورزی است، دارای کمترین میزان پیوند همکاری است.

جدول ۸. خوشه‌های شبکه همکاری استان براساس ارزش هسته‌ای، ۱۴۰۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

خوشه	دست‌اندرکار	ارزش هسته‌ای
خوشه ۱	اداره کل دامپزشکی، اداره شیلات، منابع طبیعی، اداره امور اراضی، محیط‌زیست، اداره آب‌فام، اداره برق، اداره آب منطقه‌ای، استانداری (مدیریت بحران)، صنایع‌دستی، گردشگری، بنیاد مسکن، راهداری، شرکت نفت و گاز، میراث فرهنگی، آموزش و پرورش، سازمان بسیج و سانکا	۱۹
خوشه ۲	صنایع‌دستی و آموزش و پرورش	۱۸
خوشه ۳	استانداری (دفتر امور روستایی)، مخابرات و فن‌آوری، دانشگاه بین‌الملل، بانک کشاورزی، تعاونی روستایی، کمیته امداد، اداره امور غله، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی، کارآفرینی امید	۱۷
خوشه ۴	صندوق بیمه کشاورزی	۱۵
خوشه ۵	بنیاد مستضعفان و شرکت‌های دانش‌بنیان و سمن‌ها	۱۲
خوشه ۶	اداره امور عشایر، اداره کل پشتیبانی و امور دام، شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	۱۱
خوشه ۷	بنیاد برکت، بنیاد علوی و صندوق سرمایه‌گذاری کشاورزی	۱۰



شکل ۸. خوشه‌های شبکه همکاری استان براساس ارزش هسته‌ای

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

شاخص پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی: اندازه (۱-) این شاخص نشان‌دهنده این موضوع است که تمامی پیوندها در شبکه درون‌گروهی بوده و کنشگران علاقه‌مند به تقویت انسجام اجتماعی و افزایش میزان همبستگی در شبکه هستند. اندازه (۱+) به معنای این است که کلیه پیوندها برون‌گروهی و صفر در این شاخص بیانگر برابری پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی است. نتایج نشان می‌دهد که در این شاخص از مجموع ۶۳۰ پیوند موجود، ۳۰۲ پیوند و یا ۵۰/۷ درصد پیوندهای درون‌گروهی و ۲۹۴ پیوند یا ۴۹/۳ درصد پیوندها، برون‌گروهی است. حداکثر پیوند مورد انتظار در داخل کل زیرگروه‌های شبکه ۶۳۰ پیوند بوده که دارای تراکم ۴۷/۹ درصدی است و این نشان‌دهنده میزان تراکم متوسط پیوندهای درون‌گروهی در شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی استان بوده است. اندازه منفی شاخص E-I نشان می‌دهد پیوندهای درون‌گروهی در شبکه بیشتر از پیوندهای

برون‌گروهی است؛ به‌نحوی که مقدار ۱۳- درصد نشان می‌دهد، پیوندهای درون‌گروهی برابر با مقدار ۱۳ درصد بیشتر از پیوندهای برون‌گروهی در شبکه همکاری توسعه روستایی استان است. اگر این شاخص مثبت باشد، یعنی پیوندهای برون‌گروهی بیشتر از درون‌گروهی است. در صورت مثبت بودن این شاخص که نشان‌دهنده برتری پیوندهای برون‌گروهی نسبت به درون‌گروهی است، باعث می‌شود میزان همکاری کنشگران به داخل زیرگروه محدود نباشد و در خارج از زیرگروه خود نیز مورد اعتماد سایرین باشند که در مورد شبکه توسعه روستایی استان قزوین این امر محقق نشده و دست‌اندرکاران بیشتر به درون زیرگروه خود محدود هستند که برای مدیریت توسعه روستایی، می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

جدول ۹. پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی و شاخص E-I در سطح کل شبکه توسعه روستایی استان

قزوین

مأخذ: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۳)

مرز اکولوژیک	مؤلفه	تعداد	درصد	حداکثر میزان مورد انتظار	تراکم
استان قزوین	پیوندهای درون‌گروهی	۳۰۲	۵۰٫۷	۶۳۰	۴۷٫۹
	پیوندهای برون‌گروهی	۲۹۴	۴۹٫۳	۶۳۰	۴۶٫۷
	شاخص E-I	-۸	-۱۳	۰	۰

۶. نتیجه‌گیری

در راستای تبیین الگوی شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی استان قزوین با استفاده از نتایج به‌دست آمده در روش‌های تحلیل شبکه در دو سطح کلان و میانی می‌توان بیان کرد، در سطح کلان شاخص‌های تحلیل شبکه همکاری، نتایج تراکم، اندازه و انتقال‌پذیری شبکه کاملاً مشخص نمود که پیوند همکاری بین دست‌اندرکاران شبکه ضعیف و میزان کم نهادینه شدن پیوندها است؛ به‌نحوی که اغلب پیوندهای برقرارشده بین دست‌اندرکاران مؤید درصد بالای تمرکز در

پیوندهای بیرونی نسبت به پیوندهای درونی است. این امر بیانگر نقش مهم کنشگران مرکزی در پیوندهای شبکه و عامل اصلی ضعیف بودن سطح همکاری و همگرایی شبکه توسعه روستایی استان است. میزان پایداری شبکه براساس دو شاخص میزان دوسویگی پیوندها و سرعت گردش همکاری استان در سطح متوسط به دست آمده است. نتایج سطح میانه شاخص‌های تحلیل شبکه همکاری استان نشان می‌دهد که در شاخص قطعات و نقاط برشی براساس مؤلفه تحقیق، آموزش و پژوهش، سه سازمان آموزش و پرورش، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و دانشگاه بین‌الملل، در مؤلفه برنامه‌ریزی و نظارت، چهار اداره امور دامپزشکی، اداره امور اراضی، منابع طبیعی و میراث فرهنگی، در مؤلفه تأمین و توزیع زیرساخت‌ها و خدمات، چهار بانک کشاورزی، تعاونی روستایی، شرکت نفت و گاز و دفتر امور روستایی استانداری، در مؤلفه صدور مجوز، سه سازمان محیط‌زیست، اداره کل دامپزشکی و منابع طبیعی به عنوان کنشگران حیاتی و نقاط برشی شبکه همکاری استان شناخته می‌شوند. سازمان‌های فوق در هر یک از مؤلفه‌های همکاری با ایجاد انسجام ساختاری دارای نقش حیاتی در سطح شبکه همکاری استان هستند که در غیاب و حذف آن‌ها، قطع ارتباط در شبکه را موجب می‌شوند. در شاخص مرکز - پیرامون، اداره کل دامپزشکی، اداره شیلات، منابع طبیعی، اداره امور اراضی، میراث فرهنگی، اداره آبفا، گردشگری، اداره برق، اداره آب منطقه‌ای، محیط‌زیست، استانداری، راهداری، بنیاد مسکن، سانکا و سازمان بسیج جزو کنشگران مرکزی و سایر دست‌اندرکاران به عنوان کنشگران پیرامونی مشخص شده‌اند. از سویی دیگر، تراکم پیوندهای درون‌گروهی و پیوندهای برون‌گروهی نشانگر میزان تراکم و انسجام ضعیف تا متوسط پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی در شبکه همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی استان است. در این میان پیوندهای درون‌گروهی در شبکه به میزان ۱۳ درصد بیشتر از پیوندهای برون‌گروهی است. اندازه منفی به دست آمده این شاخص (۱۳-) باعث می‌شود که پیوند همکاری دست‌اندرکاران، بیشتر به درون زیرگروه خود محدود باشند که برای مدیریت توسعه روستایی، می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

به صورت خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که همکاری ضعیف و میزان کم نهادهای شدن پیوندها بین سازمان‌های دست‌اندرکار توسعه روستایی استان قزوین وجود دارد و درصد بالایی از تمرکز در پیوندهای بیرونی نسبت به پیوندهای درونی مشاهده می‌شود و کنشگران مرکزی (اداره کل دامپزشکی، اداره شیلات، منابع طبیعی، اداره امور اراضی، میراث فرهنگی، اداره آبفا، گردشگری، اداره برق، اداره آب منطقه‌ای، محیط‌زیست، استانداری، راهداری، بنیاد مسکن) نقش کلیدی در سطح شبکه دارند که این امر منجر به کاهش سطح همکاری دست‌اندرکاران توسعه روستایی استان شده است. نتایج این پژوهش با یافته‌های متولی و همکاران (۱۴۰۳)، قربانی و همکاران (۱۴۰۳)، محمودی و مهرابی (۱۴۰۱)، رستمی و همکاران (۱۴۰۱)، رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران (۱۳۹۹)، حسام (۱۳۹۷)، سعیدی و همکاران (۱۳۹۶)، قربانی و همکاران (۱۳۹۵)، فیروزروز و همکاران (۱۳۹۴)، ابراهیمی آذرخواهران و همکاران (۱۳۹۴)، قربانی و همکاران (۱۳۹۱)، درزمینه همکاری ضعیف بین سازمانی، واگرایی شبکه همکاری و وجود کنشگران کلیدی مطابقت دارد.

۷. پیشنهادها

- برای تقویت همکاری و انجام سازمانی نهادهای توسعه روستایی در کشور و از جمله در استان قزوین پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:
- ارتقای حکمرانی توسعه روستایی کشور با تقویت شبکه همکاری و ایجاد انسجام در برنامه‌ریزی و مدیریت کلان توسعه روستایی کشور با ایجاد یک سازمان متولی و پاسخگو و نیز تقسیم کار مناسب در بین سازمانهای مرتبط.
 - استفاده از فناوری‌های نوین و هوشمند به منظور ایجاد بستر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مناسب برای تسهیل و تقویت شبکه همکاری و ارتباطات بین‌سازمانی و درون سازمانی توسعه روستایی

- ارتقاء و بهبود وضعیت همگرایی شبکه همکاری: با توجه ضریب تراکم برابر با ۳۷.۳ (همگرایی ضعیف) شبکه همکاری توسعه روستایی استان قزوین، تقویت تعامل و همکاری بین سازمان‌های دخیل در توسعه روستایی استان می‌تواند به افزایش همگرایی و ساختار کارکردی مناسب کمک کند.
- تقویت قدرت و جایگاه سازمان‌های بینابینی: با توجه به اینکه شبکه میزان همکاری وابسته به چند گره (سازمان) مانند محیط‌زیست، اداره کل دامپزشکی و اداره آبفا است، تقویت وضعیت درجه بینابینی سایر سازمان‌ها می‌تواند به افزایش قدرت چانه‌زنی برای تعامل سازنده بین سازمان‌های ضعیف کمک نماید.

کتابنامه

۱. ابراهیمی‌آذرخواران، ف؛ قربانی، م؛ سلاجقه، ع؛ و محسنی‌ساوری، م. (۱۳۹۴). تحلیل شبکه اجتماعی؛ قدرت اجتماعی و کنشگران کلیدی در برنامه عمل مدیریت مشارکتی منابع آب (مطالعه موردی: رودخانه جاجرود، حوزه آبخیز لتیان-روستای دربندسر). علوم و مهندسی آبخیزداری ایران، ۹(۲۸)، ۲۱-۳۲.
۲. ابراهیمی، م؛ و یعقوبی، م. (۱۴۰۱). اهمیت و اثربخشی نهادهای تأثیرگذار بر توسعه گردشگری روستایی (کاربرد روش تحلیل شبکه). روستا و توسعه، ۲۵(۹۸)، ۸۹-۱۱۰.
۳. ابطحی‌فروشانی، ز؛ فرصتکار، ا؛ خوشنواپور، ن؛ و ابطحی‌فروشانی، ن. (۱۳۹۴). تحلیل ذی‌نفعان کلیدی با استفاده از ماتریس علاقه - قدرت، مطالعه موردی: طرح توسعه میادین منطقه پارس جنوبی. اکتشافات و تولید گاز و نفت، پیاپی ۱۲۷، ۳۲-۳۹.
۴. احمدی‌مبیدی، ج؛ احمدیان، م؛ و جعفری، ح. (۱۴۰۱). تحلیل فضایی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه اقتصاد روستایی بخش مرکزی شهرستان مشهد. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۲۰(۱)، ۱۵۵-۱۸۶.
۵. افراخته، ح؛ و حجی‌پور، م. (۱۳۹۲). تحول نظام مالکیت اراضی روستایی؛ علل و پیامدها (مورد: روستاهای تقاب و معصوم‌آباد در شهرستان خوسف). فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۲(۳)، ۱-۲۱.

۶. ایزدی، ع؛ و علوی‌زاده، ا. (۱۳۹۷). واکاوی نقش توانمندی روان‌شناختی دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان رشتخوار). *کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی*، ۶(۱)، ۱۹۹-۲۲۷.
۷. بابازاده، ک؛ امیرکبیری، ع؛ جمشیدی آ. م؛ و ربیعی‌مندجین، م. (۱۴۰۱). تبیین اثر نهادگرایی یکپارچه بر توسعه پایدار روستاهای استان آذربایجان غربی. *جغرافیا و پایداری محیط*، ۱۲(۱)، ۱-۱۷.
۸. بابایی، ح؛ رفیعیان، م؛ روستا، م؛ و پاسیان‌خمیری، ر. (۱۳۹۷). تحلیل شبکه سازمانی مدیریت مشارکتی نواحی شهری در بافت تاریخی گرگان. *باغ منظر*، ۱۵(۶۳)، ۱۷-۲۸.
۹. برقی، ح؛ و قنبری، ی. (۱۳۹۶). بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر عملکرد دهیاران نواحی روستایی شهرستان اصفهان. *روستا و توسعه*، ۲۰(۱)، ۱۰۳-۱۲۲.
۱۰. بصیری‌پارسا، ن. (۱۳۸۹). بررسی نهادهای مؤثر در مدیریت توسعه روستایی مطالعه موردی: استان همدان، همایش ملی انسان، محیط‌زیست و توسعه پایدار، همدان.
۱۱. بوذرجمهری، خ؛ و جوانی، خ. (۱۳۹۳). عملکرد تشکلهای غیردولتی با تأکید بر باشگاه کشاورزان جوان بر توسعه پایدار روستاهای شهرستان تربت‌حیدریه. *همایش ملی مباحث نوین در کشاورزی*، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳، تهران.
۱۲. تقی‌پور، س؛ و استعلاجی، ع. (۱۴۰۲). تأثیر جایگاه ICT روستایی در توسعه اقتصادی پایدار روستاهای استان قزوین با تأکید بر سیماک. *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۷(۲)، ۳۶۷-۳۸۴.
۱۳. تیموری، ا؛ فشارکی، م؛ و بازیار، ا. (۱۳۹۰). مدل‌سازی روابط بین سازمانی: بررسی تأثیر عوامل رابطه‌ای روی شکل‌گیری ساختار مشارکتی. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، ۱۵(۳)، ۶۱-۸۵.
۱۴. ثانی‌حیدری، ع؛ دانشورکاخکی، م؛ شاهنوشی، ن؛ و صبوحی‌صابونی، م. (۱۳۹۹). تحلیل اثرگذاری‌های اعتبارات خرد بر مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی: به‌کارگیری رهیافت رگرسیون جورسازی بر پایه نمره تمایل و الگوریتم بوت استرپ. *اقتصاد کشاورزی*، ۱۴(۱)، ۵۱-۹۳.

۱۵. ثقفی، ف؛ مزارعی، ح؛ خوانساری، م؛ محمدی کنگرانی، ح؛ و اسدی فرد، ر. (۱۳۹۸). فراترکیب عوامل مؤثر بر تقویت روابط بین اعضای شبکه‌های همکاری علم و فناوری از نگاه نظریه سرمایه‌داری اجتماعی. مدیریت نوآوری، ۸(۳)، ۲۳-۵۲.
۱۶. جوادی چهارراه، م؛ جعفری، ح؛ و علیزاده، ک. (۱۴۰۲). تأثیر عملکرد سازمان‌ها و نهادها در توسعه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان کلات). مجله علوم جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۹(۴۴)، ۱۱۴-۱۲۸.
۱۷. حسام، م. (۱۳۹۷). تحلیل شبکه مشارکت روستاییان در طرح‌های بهسازی بافت با ارزش تاریخی (مطالعه موردی: روستای شاهکوه سفلی، شهرستان گرگان). مسکن و محیط روستا، ۳۷(۱۶۱)، ۶۱-۷۶.
۱۸. خسروی‌پور، ب؛ و اسدی، ز. (۱۳۹۸). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه پایدار روستایی. جغرافیا و روابط انسانی، ۲(۲)، ۸۳-۹۸.
۱۹. رضوانی، م. ر. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس.
۲۰. رضوانی، م. ر؛ بدری، س. ع؛ ترابی، ذ؛ و هاجری، ب. (۱۳۹۶). شناسایی راهکارهای توسعه روستایی با استفاده از چارچوب مشارکتی -SOAR مورد: روستای میغان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۵(۱۸)، ۴۳-۲۷.
۲۱. رکن‌الدین‌افتخاری، ع؛ امیدوار، ن؛ و زنجانیان، ح. (۱۳۹۹). تحلیل شبکه روابط بین سازمانی در مدیریت طرح هادی روستایی مطالعه موردی: روستای اسلام‌رود در شهرستان طرنبه-شاندیز. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۴(۳)، ۱۰۵-۱۳۷.
۲۲. رکن‌الدین‌افتخاری، ع؛ سجادی‌قیداری، ح؛ و عینالی، ج. (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۰(۲)، ۱-۳۱.
۲۳. زارعی، ب؛ و زارعی، ع. (۱۳۸۶). پارادایم‌های تئوریک تبیین‌کننده شکل‌گیری ارتباطات بین سازمانی. مجله دانش مدیریت، ۲۰(۷۸)، ۴۵-۶۲.
۲۴. سعیدی، ع؛ طالشی، م؛ و ضیاء‌نوشین، م. م. (۱۳۹۶). تحلیل شبکه سازمانی مؤثر بر خزش روستایی در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون همدان. پژوهش‌های روستایی، ۸(۳)، ۴۵۴-۴۶۹.

۲۵. سلطانی‌نژاد، ح؛ و امیرزاده، م. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های همکاری در صنایع تولیدی (مطالعه موردی شرکت‌های فعال در حوزه صنایع فلزی استان کرمان). *دوماهنامه بررسی‌های بازرگانی*، ۱۹ (۱۰۹)، ۳۹-۵۲.
۲۶. شمس‌الدینی، ع؛ و جمینی، د. (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد نهادهای متولی در توسعه سکونتگاه‌های روستایی با رویکرد معادلات ساختاری مورد مطالعه: شهرستان جاورود. *جغرافیا و توسعه*، ۴۳، ۳۵-۵۰.
۲۷. شیخی، ح؛ پریزادی، ط؛ و ورمزیار، ب. (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی (مطالعه موردی: شهرستان همدان). *برنامه‌ریزی فضایی*، ۳ (۳)، ۱۷-۳۲.
۲۸. صادقی‌زاده قوی‌فکر، س؛ طهماسبی، ا؛ و عزیزپور، ف. (۱۴۰۳). تحلیل شبکه کنشگران کلیدی تغییر کاربری زمین در مناطق روستایی مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان شهریار. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۴ (۷۳)، ۹۳-۱۱۴.
۲۹. صادقی، ح؛ صیدائی، ا؛ قبادی، ش؛ و صالحی، م. (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط با پایداری روستاها مورد: بخش دهدز در شهرستان ایذه. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۵ (۲)، ۱۴۰-۱۱۹.
۳۰. صداقت‌زادگان، ش. (۱۳۹۵). مطالعه راهبردی ارتباط همکاری بین‌سازمانی با فعالیت‌های خدماتی و صنعتی. *فصلنامه راهبرد*، ۲۴ (۷۵)، ۱۰۹-۱۳۷.
۳۱. صیدایی، ا؛ جمینی، د؛ جمشیدی، ع؛ و جمشیدی، م. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل عملکرد مدیران نوین روستایی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: منطقه اورامانات استان کرمانشاه). *برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، ۴ (۴)، ۱-۲۴.
۳۲. عباسی‌رستمی، ع؛ یزدان‌پناه، م؛ عبدشاهی، م؛ عزیزلی‌خلیلی، ط؛ و سواری، م. (۱۴۰۱). تحلیل شبکه اجتماعی کنشگران حکمرانی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب کشاورزی در استان مازندران. *پژوهشنامه مدیریت حوزه آبخیز*، ۱۳ (۲۵)، ۱۹۷-۲۰۹.

۳۳. عبدی‌دانش‌پور، ز؛ فلاحتی، ع؛ و مرادی، د. (۱۳۹۵). تحلیل روابط بین‌سازمانی در مدیریت بحران در شهر اصفهان. *مدیریت بحران*، ۵(۱)، ۲۵-۳۷.
۳۴. عطایی، س؛ افراخته، ح؛ و توکلی‌کجانی، ح. (۱۳۹۹). جایگاه مدیریت نوین روستایی در تحولات اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (مورد مطالعه: بخش کهریزک). *فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی*، ۷(۴)، ۴۱۵-۴۳۱.
۳۵. فیروزروز، م؛ عرفان‌زاده، ر؛ قربانی، م؛ و راسخی، س. (۱۳۹۴). تحلیل شبکه اجتماعی و الگوی ساختاری روابط اجتماعی بهره‌برداران مرتع (مطالعه موردی: روستای تاکر شهرستان نور). *نشریه مرتع*، ۹(۳)، ۲۴۴-۲۵۴.
۳۶. فیروزنیا، ق؛ و آرانی، ب. (۱۳۹۴). به‌کارگیری تحلیل بازیگران در فرایند ساماندهی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه روستایی. *پژوهش‌های روستایی*، ۶(۴)، ۹۱۵-۸۹۵.
۳۷. قاسمی‌سیانی، م؛ افراخته، ح؛ عزیزپور، ف؛ و ریاحی، و. (۱۳۹۸). تحلیلی بر یکپارچگی فضایی نواحی روستایی مبتنی بر تحلیل شبکه‌ای جریان‌های فضایی (موردشناسی: بخش بن رود و جلگه شهرستان اصفهان). *جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای*، ۹(۳۱)، ۳۵-۵۲.
۳۸. قربانی، م؛ آذرنیوند، ح؛ مهرابی، ع؛ باستانی، س؛ جعفری، م؛ و نایی، ه. (۱۳۹۱). تحلیل شبکه اجتماعی: رویکردی نوین در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مدیریت مشارکتی منابع طبیعی، *مجله منابع طبیعی ایران*، ۶۵(۴)، ۵۵۳-۵۶۸.
۳۹. قربانی، م؛ سلیمی‌کوچی، ج؛ ابراهیمی، پ؛ و راسخی، س. (۱۳۹۸). کاربرد تحلیل شبکه در شناخت کنشگران کلیدی شبکه ذی‌نفعان محلی در راستای استقرار مدیریت مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: حوزه آبخیز سرایان، استان خراسان جنوبی). *منابع طبیعی ایران*، ۷۲(۱)، ۲۱۳-۲۲۶.
۴۰. قربانی، م؛ گرگانی، ا؛ عوض‌پور، ل؛ یزدان‌پرست، م؛ و امیری، س. (۱۴۰۳). پویایی سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی در راستای مدیریت مشارکتی روستایی مطالعه موردی: شهرستان گچساران. *پژوهش‌های روستایی*، ۱۵(۳)، ۱۰۹-۱۲۵.

۴۱. قربانی، م؛ متولی، ح؛ راسخی، س؛ و عوض‌پور، ل. (۱۳۹۵). انسجام سازمانی و شناسایی دست‌اندرکاران کلیدی در مدیریت پایدار سرزمین (منطقه مورد مطالعه: شهرستان محلات-استان مرکزی). *پژوهش‌های دانش زمین*، ۷(۲۸)، ۱۱۹-۱۳۸.
۴۲. متولی، ح؛ رضایی، ا؛ حجازی، ی؛ و علم‌بیگی، ا. (۱۴۰۳). تحلیل شبکه سیاست‌گذاری در مدیریت مشارکتی منابع طبیعی (مطالعه موردی حوزه آبخیز حبله‌رود). *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۵۵(۲)، ۲۸۹-۳۰۸.
۴۳. محمدی‌کنگرانی، ح. (۱۳۹۱). معرفی تحلیل شبکه‌ای و کاربردهای آن در مدیریت و سیاست‌گذاری منابع طبیعی (مطالعه قانون برنامه چهارم توسعه). *حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی*، ۱(۱)، ۷۹-۹۲.
۴۴. محمودی، ا؛ و مهرابی، ع. (۱۴۰۱). بررسی شبکه همکاری شرکت‌های کوچک و متوسط مبتنی بر تئوری تحلیل شبکه‌های اجتماعی. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۱۱(۴۴)، ۱۷-۴۱.
۴۵. نصیری‌زارع، س؛ و ریاحی، و. (۱۴۰۲). تحلیل شبکه همکاری‌های علمی در مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱۲(۱)، ۱۹-۳۶.

46. Alimohammad, M., Farajallah Hosseini, J., Mirdamadi, M., & Dehyouri, S. (2022). Collaborative networking among agricultural production cooperatives in Iran. *Heliyon*, 8 (2022) e11846.
47. Beritelli, P. (2011). Cooperation among prominent actors in a tourist destination, *Annals of Tourism Research*, 98 (1), 112-113.
48. Borgatti S. (2005). Centrality and Network Flow. *Social Networks*, 27 (1), 55-71.
49. Brandes, U., & Erlebach, Th. (2005). *Network analysis- Methodological foundations*. Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
50. Bródka, P., Skibicki, K., Kazienko, P., & Musiał, K., (2011) October, A degree centrality in multilayered social network. In 2011 *International conference on computational aspects of social networks* (CASoN) (pp. 237-242). IEEE.
51. Cárcamo, F., Flühmann, R. & Gaymer, F. (2014). Collaboration and knowledge networks in coastal resources management: How critical stakeholders interact for multiple-use marine protected area implementation. *Journal of Ocean & Coastal Management*, 91, 5-16.

52. Ernstson, H. (2008). *Rhizomia: actors, networks and resilience in urban landscapes*. Stockholm University, Stockholm.
53. Ezeamama, I., & Anthony Ofozoba, C. (2023). Role of Local Governments in Rural Development of Nigeria, A Case Study of Ekwusigo Local Government Area of Anambra State, *British Journal of Marketing Studies*, 11, (5), 29-43.
54. Glückler, J., & Bathelt, H. (2017). Institutional context and innovation. In H. Bathelt, P. Cohendet, S. Henn, & L. Simon (Eds.). *The Elgar companion to innovation and knowledge creation: A multidisciplinary approach*. Cheltenham: Edward Elgar.
55. Hailemariam Zikargae, M., Gebru Woldearegay, A., & Skjerdal, T. (2022). Assessing the roles of stakeholders in community projects on environmental security and livelihood of impoverished rural society: A nongovernmental organization implementation strategy in focus. DOI: 10.1016/j.heliyon.2022.e10987.
56. Kumar, B., & Sharma, M. (2020). *MBA Rural Management*. Course Code: MRM-511.
57. Lienert, J., Schnetzer, F., & Ingold, K. (2013). Stakeholder analysis combined with social network analysis provides fine-grained insights into water infrastructure planning processes, *Journal of Environmental Management*, 125, 134-148.
58. Merrell, I. (2022). Blockchain for decentralised rural development and governance, *Blockchain: Research and Applications*, 3(3)1-9. doi: <https://doi.org/10.1016/j.bcra.2022.100086>.
59. Wang, X., Wang, X., Wu, J., & Zhao, G. (2017). Social Network Analysis of Actors in Rural Development: A Case Study of Yanhe Village, Hubei Province, China. *Growth and Change*, 48 (4), 869-882.
60. Zhang, J., & Li, S. (2024). Decoding rural connections: A comparative insight into social network. *Chinese Journal of Population, Resources and Environment*, 22(4), 501-514. <https://doi.org/10.1016/j.cjpre.2024.11.013>.
61. Zhou, L., Zhang, W., Fang, C., Sun, H., & Lin, J. (2020). Actors and network in the marketization of rural collectively-owned commercial construction land (RCOCCL) in China: A pilot case of Langfa, Beijing. *Land Use Policy*, 99, 104990. doi: <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104990>.